

گفتمان ولایتعهدی امام رضا^(ع)

میان دو رویکرد «زیست - قدرت» و «زیست - سیاست»

حسن بشیر*

چکیده

طرح موضوع ولایتعهدی امام رضا^(ع) توسط مأمون عباسی، یکی از حوادث بسیار مهم تاریخی است که به شدت با مسئله امامت، حاکمیت و حکومت اسلامی مرتبط بوده و نیازمند تحلیل گفتمانی ویژه می‌باشد. دوره مأمون یک دوره استثنایی در تاریخ عباسیان است که با جریان‌های مختلف سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - دینی روبرو بوده که نیازمند ظهور گفتمانی شده است که بر پایه «ولایتعهدی» مبتنی می‌باشد. این مقاله درصدد است تا «گفتمان ولایتعهدی» را به مثابه یک گفتمان مؤثر در طرح دیدگاه‌های مربوط به «سلطه» و «تدبیر» بر اساس رویکردهای «زیست - قدرت» و «زیست - سیاست» مورد تحلیل قرار داده و برخوردهای مأمون عباسی (رویکرد سلطه) و حضرت امام رضا^(ع) (رویکرد تدبیر) را بر پایه آن و با روش «پدام» مورد ارزیابی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها:

امام رضا^(ع)، مأمون عباسی، ولایتعهدی، زیست - قدرت، زیست - سیاست، سلطه، تدبیر

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۰۶

bashir@isu.ac.ir

*. دانشیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق^(ع)

❖ مقدمه

سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

کشف گفتمان امامان معصوم^(ع) نیازمند مطالعات مختلفی است که بخشی از آن بر متن روایی نقل شده و بخشی دیگر بر زمینه‌های خلق گفتمان تکیه دارد. گرچه پذیرش متون روایی با مشکلاتی روبرو می‌باشد، اما نهایتاً می‌توان بر مبنای تحقیقات صورت گرفته به بخشی از روایت‌ها و احادیث استناد کرد و متن مورد تحلیل را تعیین کرد. اما این موضوع در مورد زمینه‌های خلق روایت به شدت با ابهام‌های گوناگون روبرو است. در حقیقت، تاریخ‌نگاران و حتی راویان روایت‌ها توضیح کافی و گویا در مورد شرایط و موقعیت‌های گفتمان روایی در لحظه تولد نداده‌اند. اگر هم برخی از شرایط و موقعیت‌ها تا اندازه‌ای روشن بوده‌اند، به دلیل ملازمت آنها با متن است که به گونه‌ای جزئی از متن شمرده می‌شوند.

ضایعه عدم انعکاس و ضبط شرایط و موقعیت‌های خلق گفتمان روایی یکی از ضایعه‌های بزرگی است که نمی‌توان از تأثیرهای منفی آن بر روی تحلیل بیانات، رفتارها و اقدام‌های امامان معصوم^(ع) چشم‌پوشی کرد. در حقیقت، «غیاب زمینه‌ای» در گفتمان روایی در لحظه تولد، اصل فهم این گفتمان را با مشکل مواجه ساخته و گاهی آن را به انحراف می‌کشاند.

آنچه که به نظر می‌رسد می‌تواند بخشی از این ضایعه بزرگ را جبران کند، بهره‌برداری از رویکردهای «بینامتنی» و «بین‌گفتمانی» است که حداقل متن روایی را به مثابه یک متن واحد تلقی کند که این متن در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت ظهور و بروزی داشته که با شرایط و موقعیت‌های هم‌زمان خلق روایت، همسو بوده، اما از یک ماهیت واحد برخوردار است.

بنابراین «بینامتنیت‌ها» و «بیناگفتمانی‌ها» رویکردهایی هستند که می‌توانند به عنوان حلقه وصل معنایی میان گذشته، حال و آینده تلقی شوند که روایت را در جایگاه خاص خود قرار می‌دهند تا بتوان جهت‌گیری آنرا مشخص و به مثابه یک زمینه متصل برای خلق آن تلقی کرد (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹).

تحلیل گفتمان با شیوه‌های مختلف عمدتاً ناظر به تحلیل متون رسانه‌ای و غیردینی است که دارای پیام خاصی بوده و معمولاً توسط افراد مختلف به صورت‌های متفاوتی قرائت می‌شوند.

تحلیل گفتمان با شیوه معمول برای متون دینی - روایی، با مشکلاتی روبرو بوده و اصول حاکم بر آن یعنی سیال یا نسبی بودن حقیقت و امکان‌پذیر نبودن کشف آن، اساساً با حقایق ثابت دینی و عدم سیالیت معنایی آنها متناقض می‌باشد.

با توجه به این معضل اساسی در فهم حقیقت و معنای واقعی و دور شدن از اشکال‌های مبتنی بر «سیالیت معنا» یا «عدم امکان درک حقیقت» تلاش شده است که در این مقاله، رویکردی برای تحلیل گفتمان متون دینی پیشنهاد شود که با روش معمول تا اندازه‌ای متفاوت می‌باشد.

متن دینی (به‌ویژه روایی) بر خلاف متن رسانه‌ای، متنی است که معنای آن تا اندازه‌ی زیادی صریح، آشکار و غیر قابل تأویل به معنای خروج از معنای اصلی و گسست جدی با معنای ظاهری یا اولیه است. به عبارت دیگر، رسایی و بلاغت ساختاری متن، اجازه سیالیت معنایی به متن را تا اندازه‌ی زیادی نمی‌دهد. یکی از دلایل، این است که متن روایی، عمدتاً برای تعیین تکلیف یا توضیح یک تکلیف مطرح می‌شود و اگر این تعیین و توضیح دارای ابهام باشد، نمی‌تواند منشأ عمل شود.

در روش‌های معمولی تحلیل گفتمان، معنا محصول «متن»، «زمینه» و «فرامتن» و «قرائت تحلیلیگر» است. این شیوه خود «مساحت آزاد» گسترده‌ای برای تحلیل به وجود می‌آورد که طبیعتاً می‌تواند معنای وسیع‌تری از حقیقت منعکس کند که محصول فهم انسانی از شرایط محیطی و موقعیتی است که بخشی از آن در قراردادهای اجتماعی نهفته است.

در روش تحلیل گفتمان متون دینی روایی، با شیوه‌ای که نگارنده پیشنهاد می‌کند، آنچه که به شدت در فرایند تحلیل غایب است عنصر اساسی «زمینه و بافت خلق متن» است که تا اندازه‌ی زیادی، تقریباً در نقل روایات معصومین(ع) ذکر نشده است. بنابراین، متن، مهم‌ترین اثری است که باید مورد توجه قرار گیرد. این توجه نه به معنای محصور شدن در معنای تحت‌اللفظی است بلکه به معنای این است که ملاک فهم اصلی ما از روایت، متن باقیمانده یا نقل شده از معصومین(ع) است.

با «غیاب زمینه» جایگزینی اساسی که برای این‌گونه تحلیل پیشنهاد شده، که در روش‌های

معمولی نیز از آن به شکل وسیع استفاده می‌شود، تکیه بر «بینامتنیت‌های درونی و بیرونی متن» است. در حقیقت، در اینجا، متن با متون دیگر تفسیر می‌شود و «مساحت تحلیل» با گستره روابط بینامتنی تعیین می‌شود. با چنین رویکردی عناصر اصلی تحلیل «متن»، «بینامتنیت‌های درونی و بیرونی»، «گفتمان‌های مرتبط» و «تحلیلگر» می‌باشند که در این رابطه، «تحلیلگر» بیش از داشتن نقش «قرائت‌کننده»، نقش «ارتباط‌دهنده» متون با همدیگر را به‌عهده دارد. این نقش نه تنها تقلیل‌دهنده سطح تحلیل یا نقش تحلیلگر نمی‌باشد، بلکه به‌شدت نقش هر دو را به‌دلیل ضرورت بالای «شناخت متون»، «گزینش متون»، «شیوه ارتباطی دهی متون» و نیز توجه به «معناهای هم‌زمانی» و «معناهای در‌زمانی» که همه این موارد به‌نحوی با تعریف فضاهای مختلفی که متعاقباً مورد اشاره قرار خواهند گرفت، افزایش می‌دهد.

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

گفتمان امامان معصوم^(ع) در دوره‌های مختلف سیاسی - اجتماعی

در تحقیقات صورت گرفته برای تقسیم‌بندی دوره‌های سیاسی - اجتماعی و گفتمان‌های امامان معصوم^(ع) حاکم بر این دوره‌ها، ۹ دوره مورد شناسایی قرار گرفته‌اند (بشیر، ۱۳۹۱ - ب) که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده‌اند.



نمودار ۱. گفتمان امامان معصوم^(ع) در دوره‌های مختلف سیاسی - اجتماعی

تبیین مرحله مربوط به امام هشتم(ع) در اینجا حائز اهمیت است. دوره ششم که متعلق به امام رضا(ع) است به نام «مرحله ضرورت انتقال حکومت به امامان» معرفی شده است. این دوره، آغاز نوعی از تجربه حکومتی است که گرچه با ظاهرسازی مأمون، حاکم وقت خاندان عباسی، همراه بود، اما پذیرش اجباری ولیعهدی توسط امام رضا(ع) نیز دلیلی بر ضرورت انتقال حاکمیت اسلامی به امامان معصوم(ع) تلقی می‌شود که گرچه عملاً تحقق نیافت، اما این نظریه اسلامی در مورد حاکمیت و حکومت را مورد تأکید مجدد قرار داد. در این دوره بود که تجربه ضرورت انتقال حکومت اسلامی حتی به شکل ناقص و ظاهری به امام معصوم(ع) در جامعه اسلامی مطرح شد.

طرح این انتقال حاکمیتی، یکی از مهم‌ترین رویدادهای دوران امام رضا(ع) است و بیش از آنکه به‌عنوان یک توطئه یا یک ظاهرسازی از طرف مأمون مطرح و مورد تحلیل قرار گیرد، باید آنرا به‌مثابه یک «تحول گفتمانی» اساسی در حوزه سیاسی اسلامی دانست. طبیعی است که حرکت مأمون در این زمینه قطعاً، یک ظاهرسازی تاریخی و یک جریان انحرافی است که خود نیز قابل بحث و بررسی می‌باشد؛ اما، فراتر از آن، چرایی، چیستی و چگونگی این حادثه می‌تواند، بسیاری از ناگفته‌های تاریخی و گفتمانی در حوزه امامت و حاکمیت اسلامی را کشف کند.

نظریه حکومتی اسلام

تجربه حکومتی اسلام در جامعه اسلامی، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. در اینجا هدف این نیست که این تحولات را در گستره وسیع تاریخی آن مورد بحث و بررسی قرار دهیم، اما آنچه که در این زمینه در رابطه با پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) اتفاق افتاده قابل تأمل است که می‌توان آنرا به‌مثابه یک رویکرد نظری و در حقیقت یک «نظریه حکومتی اسلام» یا «نظریه کلان امامت» تلقی کرد که بخشی از تحقق عملی آن با اختیار امامان معصوم(ع) شکل گرفته و بخش دیگری از آن ناخواسته و با تسخیر قدرت و حاکمیت از طرف گروه‌های

❖ دیگر روبرو بوده است. نتیجه هر دو بخش، به وجود آمدن نوعی از فرایند قدرت - حاکمیت اسلام است که می‌توان آنرا در نمودار شماره (۲) نشان داد.

سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲



نمودار ۲. فرایند قدرت - حاکمیت اسلامی در رابطه با پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)

مطالعه نمودار شماره (۲) بیانگر شش دوره مهم در «نظریه حکومتی اسلام» است که ناظر به شرایط و موقعیت‌هایی است که بیشتر آن ناخواسته بوده، اما توسط امامان معصوم (ع) به بهترین شکل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. شرایطی که در مجموع از آغاز بعثت یا

گفتمان ولایتعهدی امام رضا^(ع) ... ❖ ۵۵

حدافل از هجرت پیامبر اکرم^(ص) به مدینه آغاز و تا سال ۲۶۰ هجری که آغاز غیبت صغری امام دوازدهم^(ع) است، خاتمه می‌یابد و بعد از آن عصر جدیدی آغاز می‌شود (زورق، ۱۳۹۰). در اینجا به دلیل اینکه مقاله ناظر به دوره امام رضا^(ع) می‌باشد، لذا این دوره به اختصار مورد تشریح قرار می‌گیرد تا به مثابه زمینه‌ای برای تحلیل فرایندهای بعدی باشد.

پذیرش ولایتعهدی رضوی، زمینه‌سازی برای انتقال حاکمیت

پذیرش ولایتعهدی توسط امام رضا^(ع)، گرچه در شرایط غیرمطلوب و با فشار و تهدید مأمون صورت گرفت، اما نشان‌دهنده ضرورت بازگشت حکومت اسلامی به اولاد پیامبر اکرم^(ص) است. این حرکت نیز به نوعی نیمه‌اختیاری به معنای ایجاد شرایط اجباری برای پذیرش ولایتعهدی از یک سو و از سوی دیگر، پذیرشی است که به هر دلیل امام معصوم^(ع)، حدافل در انظار عموم مردم، آنرا پذیرفته بود.

کشف گفتمان امامان معصوم^(ع)

یکی از مهم‌ترین اقدام‌هایی که باید در حوزه شناخت امامان معصوم^(ع) صورت گیرد، کشف گفتمان آنان از طریق شناخت زمینه‌های خلق گفتمان و فهم عناصر اصلی آن است. شناخت زمینه‌های خلق گفتمان، همان‌گونه که گفته شد، به شدت به قدرت - حاکمیت اسلام در دوره هر امام معصوم^(ع) بستگی دارد. قدرت حاکم یا در حقیقت شرایط به وجود آمده توسط حاکمیت، ترسیم‌کننده بخش مهمی از نقشه حرکت امامان معصوم^(ع) در دوران زندگی بوده است. بر پایه همین شرایط و اقتضائات آن، گفتمان‌های گوناگونی خلق می‌شوند که کاملاً بر پایه تدبیر، درایت، بصیرت و سیاست هر امام معصوم^(ع) با توجه به شناخت کامل وی از شرایط زمان استوار می‌باشد.

قطعا گفتمان‌های مربوط به هر دوره شامل گفتمان‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی به‌عنوان مهم‌ترین حوزه‌های گفتمانی است. چنانچه گفتمان‌های حاکم بر این چهار حوزه، برای هر امام معصوم^(ع) مشخص شود، می‌توان با کشف عناصر و دال‌های اساسی حاکم بر هر گفتمان «نقشه گفتمانی» هر دوره را نیز مشخص کرد.

چارچوب روشی، تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان، یک روش کیفی ساده نیست، در این روش رابطه میان متن و زمینه، معناهای زیرین و زیرین و گفته‌ها و ناگفته‌ها که در بسیاری از مواقع کشف آنها به‌شدت سخت و نیازمند دقت و ظرافت ویژه‌ای است، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. این رابطه اهمیت بسزایی در کشف ناگفته‌ها بر اساس فهم گفته‌ها دارد. در حقیقت، مطالعه گفتمان‌ها به‌شدت به زمینه یا بافت^۱، موقعیت^۲، شرایط^۳ و عوامل مؤثر^۴ در خلق متن بستگی دارد. به‌عبارت دیگر، چرایی، چگونگی و چیستی متن در سایه فهم زمینه یا کشف رابطه آن با زمینه تبیین می‌شود. این تبیین، نه تنها دال‌های اساسی، روابط درون‌متنی، مفصل‌بندی‌های ممکن، بینامتنیت‌های درون و بیرون گفتمانی را مشخص می‌کند، بلکه فراتر از آن، قدرت و رای گفتمان را که تأثیر زیادی در خلق گفتمان دارد شناسایی می‌کند. قدرت در این فرایند گفتمانی، عنصر اصلی تولد گفتمان است (فوکو، ۱۳۹۱).

تاکنون روش‌های مختلفی برای تحلیل گفتمان ارائه شده‌اند، اما نگارنده روشی به‌نام «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام)^۵ ارائه داده که معتقد است این روش می‌تواند به شکل فرایندی و منظم، تحلیل مزبور را انجام و به نتایج مشخص و با روایی کافی برساند که برای متون دینی و غیردینی با تفاوت‌هایی پیشنهاد شده است.

1. Context
2. Situation
3. Conditions
4. Effective factors
5. Practical Discourse Analysis Mehtod (PDAM)

۱. روش عملیاتی تحلیل گفتمان «پدام»

درباره تحلیل گفتمان، روش‌های گوناگونی ارائه شده است. روش ون‌دایک (۱۳۸۹)، روش فرکلاف (۱۳۷۹) و روش لاکلاو و موفه (۱۹۸۵) از مهم‌ترین این روش‌ها هستند. هر یک از این روش‌ها، رویکردی خاص برای خود دارد منتهی نوعی ابهام در شیوه عمل در آنها وجود دارد و به تعبیر دیگر نمی‌توانند نوعی از عینیت را بازنمایی کنند.

روشی که در اینجا برای تحلیل پیشنهاد می‌شود، روش تحلیل به شیوه پدام^۱ (روش عملیاتی تحلیل گفتمان) می‌باشد.

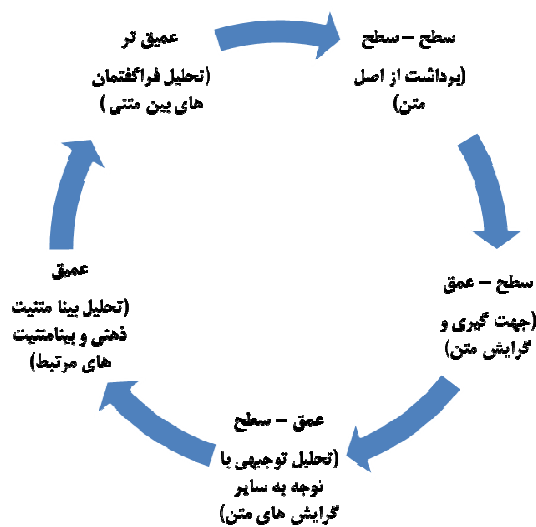
روش پدام از سه مرحله کلان توصیف، تفسیر و تبیین و پنج سطح تحلیل که عبارت‌اند از سطح - سطح، سطح - عمق، عمق - سطح، عمیق و عمیق‌تر تشکیل شده است (بشیر، ۱۳۹۱ - الف: ۱۱).

سه سطح اول در حقیقت نوعی از توصیف است اما این توصیف، با تکیه به اصل متن، معناهای هژمونیک و ضمنی متن با انتخاب جمله‌های همسو با هدف تحلیل، کشف رابطه میان معناهای مشترک در جمله‌های هم‌گرا در متن و نهایتاً قرائت معنای جمله‌های همسو در متن با سایر معناهای مستخرج از جمله‌های دیگر متن، به‌طور کلی، صورت می‌گیرد. این مرحله، حرکت در داخل متن از سه جهت: متن هدف‌دار، متن همسو و متن مورد تحلیل است.

روایی تحلیل گفتمان نیز در صورتی است که ناگفته‌های کشف‌شده بتواند میان سه عنصر اصلی، «متن»، «زمینه» و «فرامتن» یک رابطه منطقی و مورد قبول ایجاد کند، کشف معناهای پنهانی و ناگفته می‌توانند از روایی لازم برخوردار باشند، در غیر این صورت تحلیل با مشکل جدی روبرو می‌شود (همان: ۱۵).

نمودار شماره (۳) و جدول شماره (۱) نمایانگر مراحل اجرایی روش پدام می‌باشند.

1. PDAM



نمودار ۳. پنج سطح تحلیلی در روش پدام

جدول ۱. ستون‌های پنج‌گانه در روش اجرایی پدام

سطح - سطح	سطح - عمق	عمق - سطح	عمیق	عمیق تر
پرداخت از اصل متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجهی با توجه به سایر گرایش های متن	تحلیل بینامتنیت ذهنی و بینامتنیت های مرتبط	تحلیل فراگفتمانی های بین متنی

۲. روش «پدام» برای تحلیل متون دینی

در روش تحلیل گفتمان بر پایه پدام دو عنصر «زمینه» یا «بافت» و «فرامتن» نقش اساسی در خلق و کشف گفته‌ها و ناگفته‌ها که فراتر از معنای زیرین و زیرین متن است، دارد. بینامتنیت‌ها و گفتمان‌گونگی‌ها، اگرچه در فرایند تحلیل گفتمان بسیار حائز اهمیت‌اند، اما به‌عنوان تکمیل‌کننده رابطه‌ای است که بر اساس مفصل‌بندی‌های ایجادشده میان درون و بیرون متن استوار می‌باشند. به‌عبارت دیگر، بینامتنیت‌های درون و بیرون گفتمانی، بیش از

آنکه در تعیین دال‌های اساسی یا عناصر محوری گفتمان نقش داشته باشند، در تبیین چگونگی دخالت آنها در خلق معنا و در حقیقت «توسعه معنایی» به‌ویژه در ذهن مخاطبان که اساس کلیه رویکردهای مربوط به «قرائت‌های گوناگون» است، نقش محوری دارند.

بر خلاف آنچه که در تحلیل متون غیردینی، بحث زمینه حائز اهمیت اساسی است، در تحلیل متون روایی به‌عنوان مصداقی از متون دینی، بینامتنیت‌های درون‌متنی و بیرون‌متنی، حائز اهمیت اساسی بوده و در حقیقت، می‌توانند به‌دلیل عدم ثبت زمینه‌های خلق گفتمان مربوط به روایت‌ها، به‌مثابه جایگزینی نه کامل بلکه نسبی تلقی شوند.

اگر در روش پدام برای تحلیل متون غیردینی، تبیین رابطه متن و فرامتن در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره پنج سطح تعیین شده، در تحلیل گفتمان متون دینی این پنج سطح به پنج فضا نام‌گذاری شده است که منعکس‌کننده «فضای متنی و بینامتنی» مؤثر در خلق گفتمان روایی است. این پنج فضا عبارت‌اند از: فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی.

در فضای ساختاری، زبان، ساختارهای زبانی، روابط دستوری و عوامل مؤثر بلاغی^۱ مورد توجه قرار می‌گیرند.

در فضای معنایی، معنای زیرین و زیرین مورد توجه است. این معنا، نه‌تنها در ظاهر و باطن الفاظ و جمله‌ها نهفته است، بلکه در اجزاء و نیز معنای کلی متن مستتر می‌باشد. فضای معنایی، منعکس‌کننده جهت‌گیری‌های متن برای تحقق اهداف گفتمانی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فضای ارتباطی، روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معناهای بیرونی متن مورد بررسی قرار می‌گیرند. کشف این روابط، شاید مهم‌ترین مرحله‌ای است که در تحلیل گفتمان روایی مورد توجه می‌باشد.

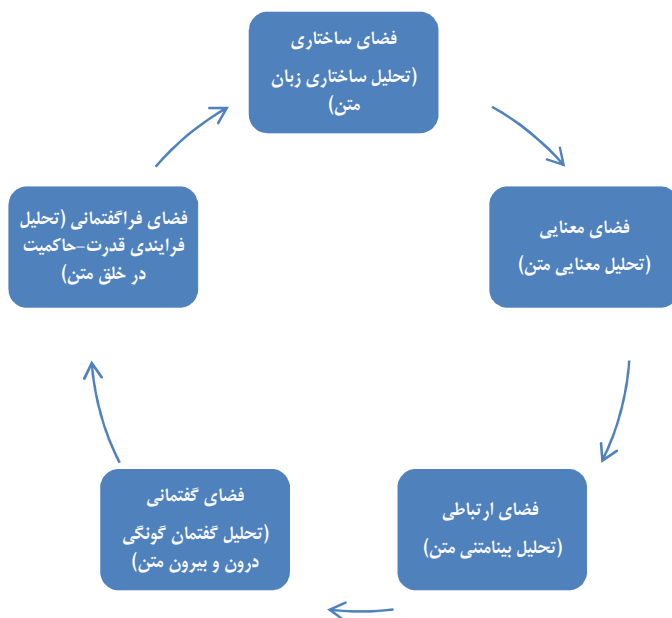
در فضای گفتمانی، شرایط قدرت - حاکمیت، که مهم‌ترین عنصر مؤثر در خلق گفتمان

1. Retic

❖ روایی است، مورد مطالعه و بحث قرار می‌گیرند. این شرایط، تعیین‌کننده رویکرد گفتمانی متون روایی است.

در فضای فراگفتمانی، می‌توان با رابطه میان «فضای گفتمانی» و «گفتمان روایی» در سطوح هم‌زمانی و در زمانی آشنا شد. این فضا، بیش از آنکه به سطح هم‌زمانی گفتمان توجه داشته باشد، به سطح در زمانی و به عبارت دیگر به فرایند تحول گفتمانی در دوره‌های مختلف توجه دارد. فضای فراگفتمانی، فضای ترسیم‌کننده شرایط قدرت - حاکمیت برای بروز گفتمان‌های مختلف روایی در دوره‌های مختلف است که با کشف این فضای فراگفتمانی می‌توان نسبت به فهم روایت‌های مختلف و تعیین معانی، جهت‌گیری‌ها و اهداف آنها اقدام کرد.

این پنج گام در تحلیل متون روایی به روش پدام، فرایندی را ترسیم می‌کند که در سایه آن می‌توان نسبت به تحلیل گفتمانی روایی اقدام کرد. نمودار شماره (۴) نشان‌دهنده این مراحل و معنای هر مرحله برای تحقق این فرایند است.



نمودار ۴. سطوح تحلیل متون روایی

چارچوب نظری، نظریه زیست - قدرت^۱ و زیست - سیاست^۲

گرچه نظریه و مفاهیم پیرامون زیست - قدرت و زیست - سیاست عمدتاً در قرن بیستم ظهور و بروز یافته‌اند، اما این رویکرد مهم نظری می‌تواند به دوران‌های گذشته نیز بسط داده شود. با تغییراتی در جهت‌گیری آن می‌توان آن‌را به یک پارادایم ممتد زمانی تبدیل کرد. در اینجا برای رعایت اختصار و بومی‌سازی این نظریه برای به‌کار گرفتن آن در تحلیل موضوع «امامت - ولایت» در تحلیل فرایندی قدرت - حاکمیت اسلام در جامعه اسلامی، لازم است مفهوم‌سازی ویژه‌ای صورت گیرد تا بتوان از نظریه مزبور به شکل مناسب بهره جست.

پایه‌های اصلی مربوط به نظریه مزبور، ایجاد تلفیقی از «محیط زیست (حیات انسانی)»، «محیط حاکمیت (قدرت)» و «محیط سیاست (تدبیر)» است که در اینجا می‌توان سیاست را به‌طور کلی «چگونگی اداره حیات توسط جامعه» و قدرت را «چگونگی اداره حیات توسط دولت» دانست.

اگر بپذیریم که تحول مفاهیم فرهنگی و اجتماعی، تابعی از تحول وضعیت واقعی فرهنگ و جامعه است، بنابراین می‌توان گفت که هرگونه تغییر یا تحول ایجادشده از هر دو سوی «دولت» و «جامعه» در سطح فردی و اجتماعی، می‌تواند مفاهیم فرهنگی و اجتماعی را متحول سازد.

در عصر کنونی نیز می‌توان تحول دیدگاه‌های اندیشمندان غربی را، به‌عنوان مثال، به مفاهیم قدرت، فرهنگ و جامعه با تغییر و تحول‌های ایجادشده در فرایند جامعه‌سازی که از مراحل مختلفی گذشته است، مشاهده کرد. مفاهیم قدرت، سیاست، جامعه، فرهنگ و غیره در عصر فئودالیت، با سرمایه‌داری و جهانی‌شدن کاملاً متفاوت است. این تحول، یک تحول ساختاری - مفهومی است که اگرچه تشابه لفظی نیز وجود داشته باشد، اما معنا در حقیقت دچار تغییر جدی و اساسی شده است. به‌عنوان مثال قطعاً مفاهیم برساخته فوکو در حوزه

1. Biopower
2. Biopolitics

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۳
 فرهنگ، جامعه، سیاست و غیره با ورود جامعه سرمایه‌داری غرب به عصر اطلاعات و ارتباطات دچار تحول شده است (فوکو، ۱۳۹۰).

مطالعات مربوط به زیست - سیاست عمدتاً به رویکرد داروین‌پسند اجتماعی (دیلینی، ۱۳۸۸؛ گیدنز، ۱۳۸۶) مرتبط می‌شود که از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز و ادبیات اولیه آن از سال ۱۹۷۲ در قالب مقاله‌های گوناگون تدوین شد. در این زمینه نیز گفته می‌شود مفهوم زیست - سیاست برای اولین بار توسط جی. اچ. هریس (۱۹۱۱) به کار گرفته شده است. هریس در مقاله‌ای با همین عنوان چنین می‌گوید:

«... زیست - سیاست، سیاستی است که باید دو بُعد از ملت را در نظر گیرد: نخست، افزایش جمعیت و رقابت؛ دوم، خصلت‌های فردی مردانی که برای به‌عهده گرفتن مناصب و مسئولیت‌های دولت آماده‌اند» (1911: 197).

به‌عبارت دیگر، زیست - سیاست به‌نوعی «رقابت» را برای «شیفت قدرت» به کار می‌گیرد. این «جابه‌جایی در قدرت» می‌تواند به اشکال گوناگون نمود کند که یکی از مصادیق آن «جابه‌جایی در حاکمیت» است.

در اینجا باید تأکید کرد آنچه مقصود از «قدرت» و «سیاست» به کار رفته، قدرت حاکمه (دولت، حکومت) و «سیاست» رفتارهای اجتماعی به اشکال مختلف آن برای ادامه حیات است که می‌تواند توسط قدرتمندان دیگر، غیر از قدرت حاکمه، با ایجاد گفت‌وگوهای مختلف ظهور و بروز کند.

در تاریخ اسلامی، ما با دو رویکرد مهم زیست - قدرت و زیست - سیاست روبرو هستیم. اولی رویکردی است که عموماً به همه حکومت‌های اسلامی تا سقوط دولت عثمانی اطلاق می‌شود که خصلت عمده آنان، به‌کارگیری قدرت بیش از شریعت برای تثبیت و استمرار حاکمیتی بود که نام اسلام بر آن نهاده بودند. البته تنها استثنایی که در این زمینه می‌توان مشاهده کرد، حکومت حضرت علی^(ع) بود که به اعتراف دوست و دشمن، اسلام و شریعت را بر همه چیز، از قدرت و حکومت و نفس و امثالهم مقدم داشته است (جرداق، ۱۹۵۸).

دومی، زیست - سیاست است که به معنای تنظیم حیات اجتماعی، بر پایه سیاست زندگی است و توسط رهبران دینی، به ویژه آنچه که در اینجا مهم است رویکرد امامان معصوم(ع) در تنظیم زندگی جامعه اسلامی و خارج کردن آن از بن‌بست‌هایی است که قدرتمندان حاکم بر آن جامعه در تلاش بوده‌اند که آن را از نظم اسلامی خارج سازند.

در حقیقت، در اینجا با نوعی از مبارزه «سلطه - تدبیر» برای «تنظیم زندگی» روبرو هستیم که در دو گونه، یکی توسط حکومت‌های اسلامی در گذشته و دیگری توسط امامان معصوم(ع) در جامعه اسلامی نمود داشته که در شرایط کنونی به وسعت جامعه انسانی گسترش یافته است.

به همین دلیل مشاهده می‌شود که این مبارزه «سلطه - تدبیر» یا «قدرت - سیاست»، به اشکال مختلف در جامعه اسلامی ظهورهای گوناگونی در طول تاریخ داشته است. گاهی قدرت - سیاست، به نوعی ادغام زیست - قدرت با زیست - سیاست است که تجلی حکومت عدل علوی در آن برجسته است و گاهی نیز زیست - سیاست بر علیه زیست - قدرت در حال مبارزه است که اشکال گوناگونی از «صلح حسنی» و «قیام حسینی» تا «مبارزه منفی عسکریین» را در اینجا می‌توان نام برد یا در مراحل، زیست - سیاست شیوه‌های «تدبیر علمی» را به عنوان راه ادامه حیات اسلامی در مقابل زیست - قدرت منحرف‌کننده اسلام به کار می‌گیرد، مانند «سیاست‌های فرهنگی - علمی» صادقین(ع) در طول حیات خود و گاهی نیز پذیرش نوعی از قدرت، برای ادامه حیات اسلامی که می‌توان آن را «آگاه‌سازی قدرتمند» نامید که در پذیرش ولایتعهدی توسط حضرت امام رضا(ع) تجلی می‌یابد. همه این تلاش‌ها، به گونه‌ای مبارزه میان حق و باطل، نیروهای صالح با نیروهای فاسد، قدرت‌های آزادی‌خواه با قدرت‌های سلطه‌گر، دین‌داران شریعت‌محور با ریاکاران دین‌نما، صالحان با طالحان، مصلحان با مفسدان و غیره است که نمونه‌های آن در طول تاریخ تاکنون مشاهده می‌شود.

بنابراین می‌توان رویکردهای امامان معصوم(ع) در دوره حیات خود را به دوره‌هایی از

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۳

زیست - سیاست با تفسیری که از سیاست به معنای «تدبیر حیات» و «روشی برای ساماندهی جامعه» داشتیم تقسیم نمود که در آن «زیست - فرهنگی» «زیست - سیاسی»، «زیست - اجتماعی»، «زیست - اقتصادی»، «زیست - دینی» برجستگی‌هایی را چه به شکل مستقل و چه به شکل ترکیبی در مبارزه با زیست - قدرت حاکم و دفاع از «استمرار حیات جامعه اسلامی» از خود نشان داده است.

این ترکیب زیست - سیاست در حیات هر امام، نشانه‌های مرجح و غالبی را نشان داده که معمولاً با رویکرد کلی آن امام در دوران حیات خود همراه بوده است. در مورد ولایتعهدی باید تأکید کرد که این موضوع به دلیل ارتباط آن با قدرت - حاکمیت و تلاش آن حضرت برای به‌کارگیری رویکردهای مختلف زیست - سیاست برای ادامه هدایت جامعه و انعکاس برخی از تعارض‌های ممکن برای افشای رویکردهای سلطه‌محور زیست - قدرت در حکومت مأمون عباسی و نیز محافظت از جامعه اسلامی از گزند سقوط نهایی و پیوستن به تاریخ گذشته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که به همین دلیل «سیاست رضوی» در این زمینه به‌مثابه نمونه‌ای از تعارض و تقابل دو رویکرد زیست - سیاست با زیست - قدرت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

ولایتعهدی امام رضا^(ع) و موقعیت‌شناسی سلطه و تدبیر

ولایتعهدی امام رضا^(ع) مسئله‌ای نیست که به‌طور دفعی و دلخواهی در ذهن مأمون شکل گرفته باشد. این مسئله، به‌شدت به موقعیت‌ها و شرایط حاکم بر دوران مأمون بستگی دارد. به‌عبارت دیگر، موقعیت‌های عملیاتی و شرایط تعیین‌کننده اجتماعی - سیاسی به‌شدت بر به‌کارگیری رویکرد زیست - قدرت یا سلطه از طرف مأمون و زیست - سیاست یا تدبیر از طرف امام رضا^(ع) تأثیرگذار بوده‌اند. این موقعیت‌ها در حقیقت همان زمینه یا بافت مؤثر در خلق گفتمان ولایتعهدی به‌شمار می‌آیند که در تحلیل گفتمان به‌شدت به آنها توجه می‌شود. گرچه همان‌گونه که گفته شد در تحلیل گفتمان متون روایی در بسیاری از مواقع با خلأ

گفتمان ولایتعهدی امام رضا(ع) ... ❖ ۶۵

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پلین ۱۳۹۲

اطلاعات مربوط به زمینه مواجه هستیم که نوعی از غیاب موقعیتی را به معرض نمایش قرار می‌دهد و تحلیل را تا اندازه زیادی به متن محصور می‌سازد، اما در برخی از مواقع می‌توان «قرائت تاریخی» از واقعیت‌های موجود را به‌مثابه، نوعی از زمینه یا فهم زمینه‌ای دانست که می‌تواند در تحلیل متون روایی به روش مزبور مفید فایده باشد.

مسئله ولایتعهدی نیز از آن مسائلی است که می‌توان به برخی از زمینه‌های تاریخی آنکه در خلق گفتمان مزبور تأثیرگذار است دست یافت تا تحلیل مرتبط با آنرا با عمق بیشتری همراه سازد.

در همین رابطه می‌توان به بافت‌های مختلف موقعیتی - اجتماعی که تأثیر قابل توجهی بر خلق گفتمان ولایتعهدی دارد، اشاره کرد:

۱. بافت موقعیتی - اجتماعی اول: ظهور عباسیان و رویکرد نجات‌بخشی و

عرب‌گریزی

انحطاط امویان به دلایل مختلف اجتماعی و سیاسی، زمینه را برای ظهور عباسیان آماده کرد. عباسیان برای تحقق این تغییر و تحول از امویان به سمت عباسیان سه رویکرد سیاسی - اجتماعی به کار گرفتند:

رویکرد نجات‌بخشی: تلاش برای اظهار نجات‌بخشی مردم از حکومت ظالم و مستبد

امویان؛

رویکرد عرب‌گریزی: توجه و تکیه نکردن به عرب‌ها که در آن زمان گرفتار گروه‌بندی‌ها

و چنددستگی‌های داخلی بوده و توجه و تکیه کردن بر غیراعراب که در دوران اموی به شدت مورد تحقیر قرار گرفته و مطرود و مظلوم بودند. در دوره عباسیان «ایرانیان و ملل غیرعرب جایگاهی یافتند که قابل مقایسه با گذشته نبود» (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۲).

۱ - ۱ - ۳. رویکرد اهل بیت‌مداری: «عباسیان در آغاز امر کوشش کردند دعوت و انقلاب

خویش را به اهل بیت اظهار^(۴) مربوط سازند» (عاملی، ۱۳۶۸: ۲۲).

۲. بافت موقعیتی - اجتماعی دوم: خطرناک‌سازی علویان برای استمرار حاکمیت

عباسیان

عباسیان با پیشرفت در استقرار حاکمیت خود، علویان را کانون خطر برای ادامه حیات سیاسی خود دانستند و به هر وسیله ممکن تلاش کردند آنان را از حاکمیت دور سازند. این حرکت دورسازی، عاملی برای مخالفت‌ها، بحران‌سازی‌ها و درگیری‌های گوناگون علویان با عباسیان شد که نمونه‌های آن در کتاب‌های تاریخ مشاهده می‌شوند. در همین زمینه باید گفت که علاوه بر گرایش‌های دینی در تصاحب خلافت، عوامل «خودباوری» علویان از یک سو به دلیل ارتباط آنان با اهل بیت^(ع) و «خوارخویشنی»^۱ عباسیان به دلیل گمنامی، حقارت و خواری از سوی دیگر در دورسازی علویان توسط عباسیان به شدت تأثیرگذار بود.

۳. بافت موقعیتی - اجتماعی سوم: تقابل همه‌جانبه با علویان

هنگامی که عباسیان خطر اساسی را از جانب علویان دانستند و تهدید آنان را به شکل جدی احساس کردند، در تلاش برآمدند که به هر وسیله تقابل خود را با استفاده از شیوه‌های سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه ابراز داشته و آنان را از هرگونه قدرت‌نمایی دور سازند (ابوصالح، ۱۹۹۶).

اولین حرکت عباسیان در این زمینه، تغییر «نظریه ارث» بود. این نظریه تا زمانی به نفع عباسیان به‌شمار می‌رفت که در فرایند قدرت‌گیری بودند، اما زمانی که قدرت فراگیر را به‌دست آوردند، برای اینکه نظریه ارث را در مورد علویان نیز ناکارآمد سازند، این رویکرد را کاملاً در ظهور حاکمیت خود منتفی دانستند.

۴. بافت موقعیتی - اجتماعی چهارم: استبداد محوری و گسترش دیکتاتوری

عباسیان برای استقرار هر چه بیشتر حاکمیت خود نه تنها علویان را به شدت سرکوب کردند، بلکه با گسترش استبداد و دیکتاتوری خود از هرگونه حرکت بر علیه خود از سوی

۱. «اصطلاح «خوارخویشنی» را امام محمد غزالی در کیمیای سعادت آورده که به‌درستی معادل «عقده حقارت» است» (عاملی، ۱۳۶۸: ۶۴ عبارت از مترجم کتاب است).

مردم جلوگیری کردند.

برخی از مورخان به این جمله اشاره کرده‌اند: «در حالی که امیری از عباسیان بر مردم مسلط است، گمان نمی‌برم که ظلم و ستم سپری شود» (المسعودی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۳۵؛ امین، ۱۹۳۳، ج ۲: ۳۸؛ فلقشندی، بی تا، ج ۸: ۱۷۵؛ ابن‌المعز، ۱۹۷۶: ۳۷۸).

۵. بافت موقعیتی - اجتماعی پنجم: مقابله علویان با عباسیان و گسترش

مقاومت

فشار و ظلم و ستم بی حد عباسیان نسبت به علویان و عموم مردم بالاخره باعث ظهور قیام‌های مختلف برای مقابله با قدرت عباسیان شد. یکی از نمونه‌های معروف این حوادث، واقعه مشهور «فخ» بود.

قیام‌ها و مخالفت‌ها به گونه‌ای بر علیه عباسیان گسترش یافت که گفته می‌شود:

انقلاب‌های علوی (به رهبری مستقیم آنان) که بین عهد سفاح و اوایل عهد مأمون و دقیقاً تا حدود سال ۲۰۰ هجری، یعنی ظرف کمتر از ۷۰ سال روی داده نزدیک به ۳۰ انقلاب بوده است؛ صرف نظر از انقلاب‌های دیگری که در آنها برای علویان و دوستی نسبت به ایشان تبلیغ و دعوت می‌شد (عاملی، ۱۳۶۸: ۱۲۸).

وضعیت بحرانی عباسیان در اثر قیام‌های مختلف و مخالفت‌های گسترده علویان و مردم در زمان مأمون به حدی بود که می‌توان گفت این وضعیت بی‌شبهت به وضعیت اواخر عهد امویان نبود. به همین دلیل خواهیم دید که رویکرد سیاستمداران ولایتعهدی به مثابه یک حرکت نجات‌دهنده از طرف مأمون برای خروج از بن‌بست سیاسی - اجتماعی آن دوره به شمار می‌آید.

۶. بافت موقعیتی - اجتماعی ششم: گسترش بحران و راه‌حل ولایتعهدی

گسترش بحران در روزگار مأمون بسیار فراتر، ناگوارتر و فراگیرتر از حاکمان قبل بود. بنابراین مأمون به دنبال راه‌حلی بود که بتواند وی را از این بحران گسترده نجات دهد. به

همین دلیل بازگشت به دل‌داری از علویان، ایرانیان، شیعیان و پیروان اهل بیت^(ع) همچون روزهای اول عباسیان برای جذب علویان برای پیشبرد اهداف خود برای پیروزی و به‌دست آوردن حکومت را بهترین راه‌حل برای نجات خود و حکومت لرزان خود می‌دید.

طرح بازگشت خلافت به امام رضا^(ع) در آغاز کار و سپس تبدیل آن به ولایتعهدی، حرکت زیرکانه‌ای بود که مأمون تصور می‌کرد با چنین حرکتی بتواند بسیاری از مخالفت‌ها را خاموش و دل علویان و شیعیان را به‌دست آورد. در حقیقت، طرح «بازگشت خلافت به جایگاه اصلی» یک طرح سیاسی اضطراری بود که در شرایط اضطراری متولد شد و علی‌رغم اینکه ظاهر آن «بازگشت حق حاکمیت به اولاد علی بن ابیطالب^(ع)» بود، اما در حقیقت، خروج از بن‌بست سیاسی و نظامی مأمون تلقی می‌شود.

مأمون با هر وسیله ممکن زمانی که تحمیل خلافت را بر امام ناممکن می‌بیند، موضوع ولایتعهدی را مطرح و با طرح پذیرش ولایتعهدی یا آمادگی برای کشته شدن، اجرای برنامه‌های خود برای خروج از بحران را ممکن می‌سازد (کمپانی، ۱۳۶۵).

۷. بافت موقعیتی - اجتماعی هفتم: شکست سیاسی و بازگشت به مواضع قبلی

واگذاری ولایتعهدی به امام رضا^(ع) یک هدف بزرگ و چندین هدف کوچک‌تر را به‌دنبال داشت. هدف بزرگ، همان به‌دست آوردن دل علویان، خاموش ساختن قیام‌ها و انقلاب‌های آنان و بازگشت به شرایط اولیه در تحقق حاکمیت عباسیان بود. اهداف دیگر نیز که قبلاً به برخی از آنها اشاره شده، کنترل امام و نظارت بر فعالیت وی، منزوی‌سازی امام از ارتباط با مردم به‌ویژه قطع ارتباط ایشان با شیعیان و دوستان اهل بیت^(ع) و بهره‌گیری از علم و دانش ایشان در مباحث مختلف و موارد مشابه دیگری است که مأمون توانست در این مدت از آنها بهره‌مند شود.

اما شهادت امام رضا^(ع) پایانی بر نقشه توطئه‌آمیز مأمون در طراحی ولایتعهدی به‌عنوان راهی برای خروج از بن‌بست سیاسی و بحران ایجادشده توسط علویان و پیروان اهل بیت^(ع)

و اعتمادسازی مجدد میان خود و عباسیان مخالف وی به دلیل همان ولایتعهدی بود. به عبارت دیگر، علی‌رغم همه اقدام‌هایی که مأمون در این زمینه انجام داد، اما اقدام‌ها و برنامه‌های امام در کشف توطئه‌های وی، در حقیقت، شکستی بزرگ از نظر سیاسی - اجتماعی بود که این شکست خود عاملی برای بازگشت مأمون به مواضع و رویکردهای قبلی در اتکا به عباسیان و دور شدن مجدد از علویان و پیروان اهل بیت(ع) شد که شیوه غالب حاکمان عباسی قبل از وی بوده است.

تقابل رویکردهای زیست - قدرت با زیست - سیاست در تصمیم‌های مأمون و اقدام‌های امام رضا(ع)

دوران مأمون یکی از دوران‌های استثنایی عباسیان به‌شمار می‌آید. در این دوره، علاوه بر تحولات سیاسی، پیشرفت‌های علمی، مباحثه‌ها و مناظره‌ها در حوزه‌های اعتقادی و دینی نیز گسترش یافت. در همه این تحول‌ها، شخصیت ویژه مأمون، نقش برجسته‌ای دارد. این نقش در مقایسه با همه خلفای دیگر عباسی قابل توجه و متفاوت بود (سپهر، ۱۳۴۸).
مأمون بر خلاف برادرش مردی دانشمند، خوش‌فهم، زیرک، کاردان و مدبر بود و شاید در این صفات بر تمام خلفای بنی‌عباس برتری داشت. او در زمان خود به ترویج علم کوشید، مجالس علمی، مباحثه‌ها و مناظره‌های آزاد بسیار داشت و خود نیز در غالب این مباحثه‌ها صاحب‌نظر و اطلاع بود (محقق، ۱۳۵۷: ۶۳).

اما نقش مأمون تنها در حوزه گسترش علم و مباحثه‌های آزاد علمی و دینی نبود، بلکه تحول‌های ارتباطات جهان اسلام با جهان غرب به‌ویژه در حوزه ترجمه نیز یکی از مواردی است که مورد توجه وی قرار گرفت و باعث گسترش حرکت ترجمه از یونانی به عربی در آن دوران شد (Gutas, 1998). علاوه بر آن، تحول‌ها و تغییرهای سیاسی چه در کشتن برادر خود، جذب ایرانیان، به‌کارگیری برخی از چهره‌های مهم ایرانی در ساختار حکومتی و بالاخره موضوع ولایتعهدی امام هشتم علی‌بن موسی‌الرضا(ع) دوران حکومت مأمون را یک دوره استثنایی کرده است.

موضوع ولایتعهدی مأمون در زمان حکومت امین که توسط هارون الرشید تعیین شده بود تا در صورت «مرگ امین، به خلافت برسد» (محقق، ۱۳۵۷: ۶۱) نیز در فرایند رویکردهای بعدی وی تأثیرگذار بود. علی‌رغم تصمیم هارون الرشید اما نزدیکان و دوستان امین همچون فضل‌بن ربیع و علی‌بن عیسی‌بن ماهان فرمانده لشکر از این تصمیم ناخشنود بودند و با اغوای وی باعث حذف مأمون از ولایتعهدی شدند (المدرسی، ۱۴۱۰ ق: ۳۷).

عزل مأمون از مقام ولایتعهدی [ی] برای رجال ایرانی که دل پر خونی از حکومت بغداد داشتند و همواره مترصد فرصت بودند، بهانه مناسبی بود که به‌عنوان دفاع از حق مأمون به بغداد بتازند. مأمون نیز با زیرکی خاصی که داشت از این موقعیت بهره‌برداری کرد و از آنجا که دوستی و محبت ایرانیان را به خاندان پیغمبر (ص) و آل‌علی^(ع) می‌دانست هر چه بیشتر رنگ تشیع به‌خود گرفت (محقق، ۱۳۵۷: ۶۲ - ۶۱).

هر چه مأمون به اهمیت قدرت ایرانیان، علویان و طرفداران اهل بیت^(ع) بیشتر پی می‌برد، جهت‌گیری سیاسی وی برای بهره‌برداری از این موقعیت پررنگ‌تر می‌شد. این حرکت تا جایی ادامه یافت که بحث ولایتعهدی امام در ذهن مأمون شکل گرفت. اما تحمیل ولایتعهدی به امام رضا^(ع) همراه با مسائلی بود که بیانگر سیاست مبتنی بر قدرت و نه بر اساس اعتقاد و خلوص بود. قرائت آنچه که میان مأمون و امام رضا^(ع) در این زمینه رخ داد نشان‌دهنده وضعیتی است که رویکرد زیست - قدرت، برای تحقق سلطه بیشتر خود می‌باشد که متوسل به راه‌های مختلف از جمله طرح ولایتعهدی شد.

مأمون پس از تصمیم‌گیری برای ولایتعهدی امام؛

دستور داد حضرت رضا^(ع) را از مدینه به خراسان منتقل کنند و در ضمن دستور، از جهت سیاسی، چگونگی حرکت، مسیری را که می‌پیمایند و شهرهایی را که از آنها عبور خواهند نمود، تعیین کرد. حضرت با بی‌میلی و کراهت باطنی به این سفر الزامی تن داد و پس از زیارت قبر رسول اکرم (ص) و دیگر مشاهد مشرفه با خانواده خود وداع نمود و راه خراسان را در پیش گرفت. امام منازل و شهرهای بین راه را پشت سر گذارد و به خراسان وارد شد. مأمون خویشتن را برای مذاکره و گفتگو

مهیا کرد. روز ملاقات تعیین شد و سخنانی که بین آن دو رد و بدل شد به شرحی است که توضیح داده می‌شود (فلسفی، ۱۴۰۴ ق: ۷).

ای فرزند رسول خدا من از مراتب علم، فضل، زهد، تقوا و عبادتتان آگاهم و شما را برای امر خلافت از خود شایسته‌تر می‌دانم. پیش از آنکه مأمون به سخن ادامه دهد و حضرت را با مشکلی مواجه سازد به پاسخ مبادرت نمود و فرمود: به بندگی خداوند مباهات می‌نمایم، با زهد در دنیا امیدوارم، از شر دنیا مصون بمانم، با ورع و پرهیز از گناهان به فواید و منافع ورع امیدوارم و با تواضع در دنیا امید ترفیع مقام در پیشگاه الهی دارم.^۱

مأمون گفت: «به‌نظرم آمده است که من خویشتن را از خلافت عزل نمایم و این مقام را برای شما قرار دهم و خودم با شما بیعت کنم.» حضرت فرمود: اگر خلافت به شما تعلق دارد و خداوند آن منصب را مخصوص شما قرار داده جایز نیست لباسی را که باری تعالی بر شما پوشانده از بر بدرآوری و به دیگری بیوشانی و اگر خلافت متعلق به شما نیست حق ناداری چیزی که به شما ارتباط ندارد به من واگذار نمایی.^۲

مأمون گفت: «جز پذیرش مقام خلافت چاره‌ای ندارید.» حضرت فرمود: «مایل نیستم و آن را قبول نمی‌کنم.» مأمون چندین روز به اصرار خویش ادامه داد و علی‌بن موسی همچنان در نعی خود مقاوم بود و پاسخ منفی می‌داد.^۳ وقتی مأمون ناامید شد به حضرت عرض کرد اگر خلافت را نمی‌پذیری و دستم را برای بیعت رد می‌کنی

۱. عن ابی الصلت الهروی، ان المامون قال للرضا^(ع) یابن رسول الله قد عرفت علمک و زهدک و ورعک و عبادتک و اراک احق بالخلافه منی. فقال الرضا^(ع) بالعبودیه لله عزوجل افتخر و بالزهد فی الدنیا ارجو النجاه من شر الدنیا و بالورع عن المحارم ارجو الفوز بالمعانم و بالتواضع فی الدنیا ارجو الرفعه عند الله عزوجل.

۲. «فقال المامون فانی قد رایت ان اعزل نفسی عن الخلافه و اجعلها لک و ابایعک، فقال الرضا^(ع) ان کانت هذه الخلافه لک و الله جعلها لک فلا یجوز لک ان تخلع لباسا البسک الله و تجعله لغیرک و ان کانت الخلافه لیست لک فلا تجوز لک ان تجعل لی ما لیس لک.»

۳. «برخی منابع می‌نویسند: تا دو ماه تلاش مأمون برای وادار کردن امام به پذیرش خلافت و ولایتعهدی در مرو ادامه یافت. شیخ صدوق نیز می‌نویسد: «آن جناب را از بصره، اهواز و فارس به مرو آوردند. مأمون به آن جناب خلافت و امارت را عرضه کرد. حضرت امتناع کرد و در این باب تا دو ماه گفتگوهای بسیار جریان یافت» (۱۳۶۳، ج ۴: ۳۸۹) (عرفان‌منش، ۱۳۷۴: ۱۶۴ - ۱۶۳).

پس ولایتعهدی مرا پذیرا باش^۱ تا که مقام خلافت بعد از من برای شما باشد.^۲
 حضرت رضا^(ع) قسم یاد کرد که پدرم از پدران خود از علی^(ع) از رسول گرامی^(ص)
 حدیث نمود که من پیش از مرگ تو با سم کشته می شوم و مظلوم از دنیا می روم،
 فرشتگان آسمان و زمین بر من گریه می کنند و در سرزمین غربت پهلوی هارون الرشید
 دفن خواهم شد. مأمون از شنیدن سخن حضرت گریست و گفت در ایام حیات
 من کیست که بتواند شما را بکشد یا بدرفتاری نماید، حضرت فرمود: «اگر بخوام
 می توانم بگویم قاتل من کیست.»^۳

مأمون گفت: مقصود شما از آنچه می گوید آن است که زیر بار مسئولیت نروید
 و این مقام را از خود بگردانید تا مردم بگویند شما زاهد و به دنیا بی اعتنا هستید.
 حضرت رضا^(ع) قسم یاد کرد از روزی که خداوند مرا آفرید مرا هرگز دروغ نگفته ام و
 بی اعتنایی من به عناوین دنیوی برای دنیاطلبی نیست و من مقصود شما را از این همه
 اصرار، می دانم. مأمون گفت: چه قصدی دارم؟ حضرت فرمود: اگر بگویم در امانم؟
 گفت: در امان. فرمود: منظور شما این است که مردم درباره من بگویند این علی بن
 موسی نبود که به دنیا اعتنا نداشت؛ بلکه دنیا بود که در دسترس او قرار نمی گرفت.
 آیا نمی بینید اکنون که دنیا با او مساعد شده چگونه ولایتعهدی را به طمع خلافت
 قبول کرده است.^۴

مأمون از سخن حضرت رضا^(ع) به خشم آمد و گفت از این پس بر خورده من

۱. صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۹؛ عطاردی الخبوشانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۸-۶۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵ ق/ ۱۹۵۶ م، ج ۳: ۲-۴۷۱.
 ۲. «فقال له المأمون یا بن رسول الله فلا بد لك من قبول هذا الامر فقال لست افعل ذلك طائعا ابدا. فما زال يجهد به ایاما حتی یشس من
 قبوله فقال له فان لم تقبل الخلافة و لم تجب مبايعتی لك فكن ولی عهدی لتكون لك الخلافة بعدی.»
 ۳. فقال الرضا^(ع) و الله لقد حدثنی ابی عن آباءه عن امیر المؤمنین^(ع) عن رسول الله^(ص): انی اخرج من الدنیا قبلک مسموما مقتولا بالسم
 مظلوما تبکی علی ملائكة السماء و ملائكة الارض، و أدفن فی ارض غربه الی جنب هارون الرشید، فیکفی المأمون ثم قال له یا بن رسول
 الله و من ذا الذی یقتلک او یقدر علی الاسائه الیک و أنا حی؟ فقال الرضا^(ع): اما انی لو أشاء ان أقول لقلت من ذا الذی یقتلنی.
 ۴. فقال المأمون یا بن رسول الله انما ترید بقولک التخیف عن نفسک و دفع هذا الامر عنک لیقول الناس انک زاهد فی الدنیا. فقال
 الرضا^(ع): و الله ما کذبت منذ خلقتنی ربی عزوجل و ما زهدت فی الدنیا للدنیا و انی لاعلم ما ترید فقال المأمون و ما ارید؟ قال الامان
 علی الصدق، قال: لك الامان. قال ترید بذلک ان یقول الناس ان علی بن موسی الرضا لم یزهد فی الدنیا بل زهدت الدنیا فیہ الا ترون
 کیف قبل ولایه العهد طمعا فی الخلافة.

با شما به گونه‌ای خواهد بود که بر وفق میلیم نیست. شما از قهر من، خویشتن را در امان یافتی. به خدا قسم باید ولایتعهدی را بپذیری اگر قبول نکنی مجبورت خواهم نمود و اگر باز هم از پذیرش ابا نمودی شما را خواهم کشت. حضرت رضا(ع) فرمود خداوند مرا نهی نموده از اینکه با دست خویش خود را به هلاکت افکنم اگر کار بدین منوال باشد ناچار ولایتعهدی را قبول می‌کنم به شرط آنکه نه کسی را به کاری بگمارم، نه کسی را از کاری که دارد عزل کنم و نه رسم و سنتی که معمول است تعض نمایم فقط دورادور طرف مشاوره باشم. مأمون به شرایط آن حضرت، رضایت داد و امام با بی میلی ولایتعهدی را قبول نمود^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۴، باب ۳۹، حدیث ۳ و حدیث ۴ به نقل از: فلسفی، ۱۴۰۴، ق: ۱۱ - ۷).

پذیرش ولایتعهدی توسط امام رضا(ع)، شبهه‌هایی را برای شیعیان ایجاد کرد و لذا علت این امر را جویا شدند. امام ضمن پاسخ، به گونه‌ای موضوع تهدید به قتل را به آنان فهماندند. «محمدبن عرفه می‌گوید به حضرت رضا(ع) عرض کردم چه چیز شما را واداشت که در امر ولایتعهدی وارد شوید؟ در پاسخ فرمود: همان چیزی که جدم علی(ع) را واداشت که در شورا وارد شود.^۲ یعنی خطر قتل» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، باب ۳۹، حدیث ۳ و ۴).

تحلیل گفتمانی تحمیل ولایتعهدی

تحلیل گفتمانی فرایند تحمیل ولایتعهدی به امام رضا(ع) توسط مأمون عباسی، بیانگر تفاوت اساسی میان شیوه سلطه و تدبیر است که در رویکردهای زیست - قدرت و زیست - سیاست به خوبی نشان داده می‌شوند. امام در همه زمینه‌ها به‌ویژه مباحث مربوط به امامت

۱. ففضب المامون ثم قال انك تتلقاني ابا بما اكره و قد امنت سطوتي. فبانه أقسم لئن قبلت ولاية العهد و الا اجبرتك على ذلك فان فعلت و الا ضربت عنقك. فقال الرضا(ع) قد نهاني الله تعالى ان القى بيدي الى التهلكه فان كان الامر على هذا فافعل ما بدا لك و انا اقبل ذلك على ان لا اولي احدا و لا اعزل احدا و لا اتقض رسما و لا سنه و اكون في الامر من بعيد مشيرا. فرضى منه بذلك و جعله ولى عهد على كراهه منه(ع) بذلك (ابن بابویه، ۱۴۰۴، باب ۳۹، حدیث ۳ و ۴).

۲. «عن محمدبن عرفه قال قلت للرضا(ع)؛ يا ابن رسول الله ما حملك على الدخول في ولاية العهد؟ فقال: ما حمل جدی امير المؤمنين على الدخول في الشورى» (همان).

و ولایت همان صراحت و روشنی قبل از ولایتعهدی را ادامه دادند.

آن حضرت پس از قبول مقام ولایتعهدی همانند پیش از آن با صراحت صحبت می‌کرد و کمترین تغییری در روش خود نداد. او در مقام بیان شرایط و اوصاف امام، تمام گفتنی‌ها را بی‌پروا در حضور و غیاب مأمون بیان می‌نمود و ابا نداشت از اینکه سخنانش برای مقام خلافت سنگین و گران باشد (فلسفی، ۱۴۰۴، ق: ۱۲).

تحلیل سخنان رد و بدل‌شده میان مأمون و امام رضا^(ع) در مورد واگذاری خلافت و سپس تحمیل ولایتعهدی از دیدگاه سلطه و تدبیر بیانگر تقابل دو رویکرد متفاوتی است که بر اساس رویکردهای زیست - قدرت و زیست - سیاست قابل تفسیر است.

تحلیل گفتمانی مذاکره‌های ولایتعهدی با روش پدام و با استفاده از پنج فضای تعریف‌شده برای این روش برای مواردی که به هر حال در فضای دینی مطرح شده‌اند، انجام می‌گیرد. جداول شماره‌های (۲) و (۳) پنج سطح مربوط به فضاهای تحلیلی مزبور را برای موارد مطرح‌شده توسط مأمون و نیز آنچه که امام رضا^(ع) در پاسخ به مأمون مطرح کرده‌اند، نشان می‌دهند.

جدول ۲. پنج سطح تحلیل گفتمانی سخنان مأمون در مذاکره‌های ولایتعهدی

برداشت از متن - مأمون	فضای ساختاری	فضای معنایی	فضای ارتباطی	فضای گفتمانی	فضای فراگفتمانی
«شما را برای امر خلافت از خود شایسته‌تر می‌دانم.»	فضای احترام و آرامش بر گفتگو	پذیرش ظاهری برتری امام در امر خلافت	ضرورت استمرار امامت در اهل بیت ^(ع)	جذب امام، زمینه‌سازی ظهور گفتمان جذب علویان و شیعیان	تقویت اساس حاکمیت با طرح خلافت امام در برابر امین و دیگران
«من خویشتن را از خلافت عزل نمایم و این مقام را برای شما قرار دهم.»	فضای درخواست و تصمیم‌گیری	اعتراف به عدم شایستگی برای مقام خلافت	«من این مقام را به شما اعطا می‌کنم.»	ایجاد گفتمان جاذبیت حاکمیت برای امام	تخریب امام با پذیرش حاکمیت در شرایط نامطلوب

ادامه جدول ۲. پنج سطح تحلیل گفتمانی سخنان مأمون در مذاکره‌های ولایتعهدی

برداشت از متن - مأمون	فضای ساختاری	فضای معنایی	فضای ارتباطی	فضای گفتمانی	فضای فراگفتمانی
«جز پذیرش مقام خلافت چاره‌ای ندارید.»	فضای دستوری و تحمیل	ایجاد فضای تهدید و ارباب در انتقال خلافت به امام	پذیرش خلافت در شرایط تهدید و تحمیل	گفتمان‌سازی پذیرش خلافت از طرف مأمون	حذف مخالفان با قدرت امام و جذب علویان و شیعیان
«پس ولایتعهدی مرا پذیرا باش.»	فضای تدریجی در تحمیل دستور	امام باید زیر نظر مأمون فعالیت نماید	وابستگی ارتباطی امام به مأمون	گفتمان فردوستی امامت نسبت به خلافت	امام شایستگی خلافت را ندارد
«در ایام حیات من کیست که بتواند شما را بکشد؟ یا بدرفتاری نماید.»	فضای دلسوزانه پس از تهدید	تظاهر به حفاظت از امام در شرایط ارباب	«من (مأمون) شما را محافظت می‌نمایم.»	گفتمان‌سازی برای ایجاد تفاوت میان کشتار امامان توسط خلفای دیگر و محافظت از امام	حفظ امام در کوتاه‌مدت تقویت ارکان خلافت مأمون است.
«مقصود شما این است که زیر بار مسئولیت نروید تا مردم بگویند شما زاهد و بددنیا بی‌اعتنا هستید.»	ایجاد فضای تفهیم اهداف مورد نظر امام	«شما (امام) به اهدافتان نخواهید رسید.»	تخریب رابطه شیعیان با امام با تحمیل ولایتعهدی	گفتمان‌سازی برای وجود جاذبیت‌های دنیایی برای پذیرش ولایتعهدی و قدرت	دنیاگرایی و قدرت‌مداری می‌تواند امامت را تحت‌الشعاع قرار دهد.
«از این پس برخورد من با شما به‌گونه‌ای خواهد بود که بر وفق میل نیست. اگر قبول نکنی مجبورت خواهم نمود و اگر باز هم از پذیرش ابا نمودی شما را خواهم کشت.»	فضای به‌شدت ارباب‌آمیز و غیرقابل تغییر	تأکید بر وجود شرایط اضطراری در پذیرش ولایتعهدی یا شهادت	رابطه احترام‌آمیز بعدی مبتنی بر پذیرش ولایتعهدی است.	معناسازی برخورد با امامان در همان فرایند کشتن و شهادت	هدف پایانی، حذف امامان با شهادت، حذف هرگونه مخالفت

ادامه جدول ۲. پنج سطح تحلیل گفتمانی سخنان مأمون در مذاکراتهای ولایتعهدی

برداشت از متن - مأمون	فضای ساختاری	فضای معنایی	فضای ارتباطی	فضای گفتمانی	فضای فراگفتمانی
«مأمون به شرایط آن حضرت رضایت داد.»	فضای توافق و پذیرش	مأمون در راستای هدف امام حرکت می‌کند.	تلاش برای تقویت رابطه با امام در جهت کاهش مخالفت‌ها	گفتمان‌سازی یکسو بودن مأمون و امام	امام با خلافت عباسیان مخالف نیست.

جدول ۳. پنج سطح تحلیل گفتمانی سخنان امام رضا(ع) در مذاکراتهای ولایتعهدی

برداشت از متن - امام رضا(ع)	فضای ساختاری	فضای معنایی	فضای ارتباطی	فضای گفتمانی	فضای فراگفتمانی
«به بندگی خداوند مباحث می‌نمایم، با زهد در دنیا امیدوارم از شر دنیا مصون بمانم.»	فضای بی‌نیازی از دیگران و پذیرش بندی خداوند	«بندۀ دیگران (مأمون) یا اسیر حکومت تحمیلی نخواهم شد.»	«رابطه من (امام) با شما (مأمون) هرگز مستحکم نمی‌شود.»	امامت تحمیلی انسان‌ها نیست.	امام منصوب خداوند است.
«جایز نیست لباسی را که باری تعالی بر شما پوشانده از بر بدرآوری و اگر متعلق به تو نیست حق نداری واگذار نمایی.»	فضای استدلالی و عقلانیت	امامت مقام غصبی نیست.	امامت، رابطه خداوند با بندگان برگزیده است.	«شما (مأمون) خلافت را غضب کرده‌اید.»	همه خلفای قبلی غاصب مقام امامت هستند.
«علی بن موسی همچنان در نفی خود مقاوم بود و پاسخ منفی می‌داد.»	فضای مقاومت منفی و آرام	ظاهرسازی اهداف غیرمطلوب در درخواست مأمون	تلاش امام برای تبیین گسست ارتباطی و حکومتی با مأمون	گفتمان‌سازی برای امامت بر حق	امامت فقط - مقام دنیایی - حکومتی نیست.
«من پیش از مرگ تو با سم کشته می‌شوم و مظلوم از دنیا می‌روم.»	اطمینان‌بخشی به مأمون برای ادامه زندگی	ولایتعهدی تحمیلی ادامه نخواهد یافت.	ولایتعهدی، مشکل ارتباطی شما با شیعیان را حل نخواهد کرد.	گفتمان‌سازی برای تعیین قاتل امام	همه خلفای قبلی، قاتلان امامان بودند.

ادامه جدول ۳. پنج سطح تحلیل گفتمانی سخنان امام رضا(ع) در مذاکره‌های ولایتعهدی

فراگفتمانی فضای	فضای گفتمانی	فضای ارتباطی	فضای معنایی	فضای ساختاری	برداشت از متن - امام رضا(ع)
امام در صورت نیاز، بر غیب آگاه است.	گفتمان‌سازی میان امامت و شهادت	ایجاد رابطه میان خلافت دیگران و امامت امامان بر اساس شهید کردن امامان	با توجه به شهادت امامان قبلی توسط خلفا، مأمون متوجه مقصود امام شد.	تهدید مأمون توسط امام برای کشف هویت قاتل خود (یعنی مأمون)	«اگر بخواهم می‌توانم بگویم قاتل من کیست.»
عباسیان هرگز درصدد انتقال حکومت به امامان بر حق نیستند.	گفتمان‌سازی برای تبیین اهداف غایی مأمون	تبیین گسست ارتباطی میان گفته‌های مأمون و اهداف وی	تبیین اینکه مأمون اهداف دیگری غیر از انتقال خلافت دارد.	فضای کشف ناگفته‌ها و مکنونات قلبی مأمون	«مقصود شما را از این همه اصرار می‌دانم.»
امامت، هدایت و رهبری است نه قدرت‌طلبی.	گفتمان‌سازی برای امامت با قدرت همسو نیست.	تبیین اینکه امامان برای تصاحب قدرت مبارزه نمی‌کردند.	تخریب سیاست، هدف امامت تحصیل قدرت است.	تبیین فضای توطئه‌آمیز مأمون	«مردم درباره من بگویند ولایتعهدی را به طمع خلافت قبول کرده است.»
فضاسازی برای ولایتعهدی، بدون اختیار نشان دادن و غیرشرعی بودن خلافت مأمون	گفتمان‌سازی برای تحمیل کامل ولایتعهدی در شرایط غیرمطلوب	کشف رابطه اجباری و پذیرش امور برای حفاظت از اسلام	تبیین شرایط عدم اختیار در پذیرش ولایتعهدی	فضای رسواسازی مأمون	«خداوند مرا نهی نموده از اینکه با دست خویش خود را به هلاکت افکنم. ناچار ولایتعهدی را قبول می‌کنم به شرط آنکه نه کسی را به کاری بگمارم...»
مشروعیت حاکمیت در جامعه اسلامی از آن خداوند است.	حاکمیت تحمیلی، مخالف اسلام است.	رابطه امام با مأمون در شرایط تحمیل، همکاری در حاکمیت نیست.	بی‌میلی امام نشان‌دهنده تحمیلی و غیرقابل قبول بودن ولایتعهدی است.	ایجاد فضا برای ادامه حیات برای حمایت از جامعه اسلامی	«امام با بی‌میلی ولایتعهدی را قبول کرد.»

گرچه ستون پنجم در جداول شماره‌های (۲) و (۳) بیانگر مرحله‌ای از تحلیل عمیق‌تر است اما مقایسه دو ستون «برداشت از متن» و «فضای فراگفتمانی» رویکردهای مربوط به سلطه و تدبیر در گفتمان مأمون و امام رضا(ع) را نشان می‌دهد که در جداول شماره‌های (۴) و (۵) نشان داده شده‌اند.

برای تبیین هر چه بهتر رویکردهای مزبور همچنین نمودارهای شماره‌های (۵) و (۶) ترسیم شده‌اند.

جدول ۴. مقایسه دو ستون برداشت از متن و فضای فراگفتمانی برای کشف رویکردهای سلطه در گفتمان مأمون

رویکردهای زیست - قدرت (سلطه) مأمون	فضای فراگفتمانی	برداشت از متن - مأمون
ریاکاری در اظهار برتری امام برای خلافت	تقویت اساس حاکمیت با طرح خلافت امام در برابر امین و دیگران	«شما را برای امر خلافت از خود شایسته‌تر می‌دانم»
ارزیابی از موقعیت فراتر (برتری‌طلبی)	تخریب امام با پذیرش حاکمیت در شرایط نامطلوب	«من خویشتن را از خلافت عزل نمایم و این مقام را برای شما قرار دهم.»
قدرت‌طلبی در تحمیل خواسته‌ها	حذف مخالفان با قدرت امام و جذب علویان و شیعیان	«جز پذیرش مقام خلافت چاره‌ای ندارید.»
انعطاف در تحمیل قدرت (قدرت‌خواهی انعطافی)	امام شایستگی خلافت را ندارد.	«پس ولایتعهدی مرا پذیرا باش.»
زیرکی در قدرت‌نمایی (زیرکی قدرت‌محور)	حفظ امام در کوتاه‌مدت تقویت ارکان خلافت مأمون است.	«در ایام حیات من کیست که بتواند شما را بکشد؟ یا بدرفتاری نماید.»
اتهام زدن برای تمکین و ادا داشتن	دنیاگرایی و قدرت‌مداری می‌تواند امامت را تحت‌الشعاع قرار دهد.	«مقصود شما این است که زیر بار مسئولیت نروید تا مردم بگویند شما زاهد و به‌دنیا بی‌اعتنا هستید.»
تحمیل پاسخگویی (پاسخ‌خواهی قدرت‌مدار)	هدف پایانی حذف امامان با شهادت برای حذف هر گونه مخالفت	«چه قصدی دارم؟»

ادامه جدول ۴. مقایسه دو ستون برداشت از متن و فضای فراگفتمانی برای کشف رویکردهای سلطه در گفتمان مأمون

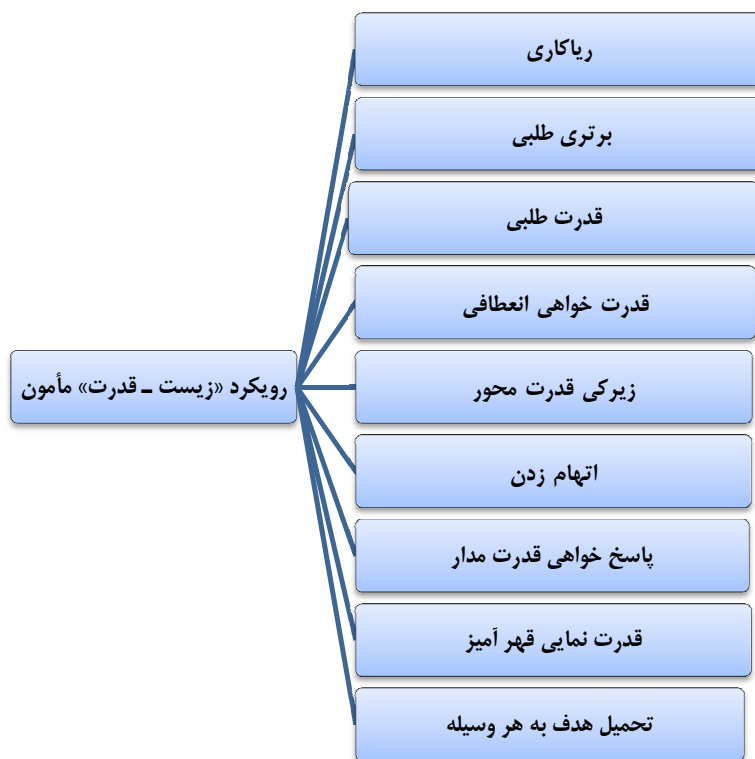
برداشت از متن - مأمون	فضای فراگفتمانی	رویکردهای زیست - قدرت (سلطه) مأمون
«از این پس برخورد من با شما به گونه‌ای خواهد بود که بر وفق میلیم نیست. اگر قبول نکنی مجبورت خواهم نمود و اگر باز هم از پذیرش ابا نمودی شما را خواهم کشت.»	امام با خلافت عباسیان مخالف نیست.	قدرت‌نمایی قهرآمیز در تحمیل هدف
«مأمون به شرایط آن حضرت رضایت داد.»		تحمیل هدف به هر وسیله

جدول ۵. مقایسه دو ستون برداشت از متن و فضای فراگفتمانی برای کشف رویکردهای تدبیر در گفتمان امام رضا(ع)

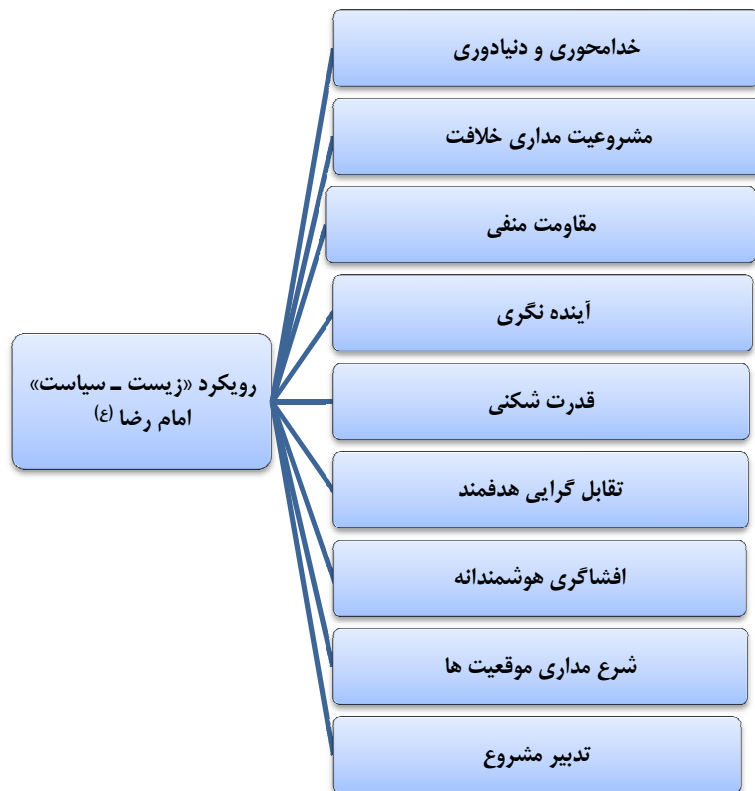
برداشت از متن - امام رضا(ع)	فضای فراگفتمانی	رویکردهای زیست - سیاست (تدبیر) امام رضا(ع)
«به بندگی خداوند مباحات می‌کنم، با زهد در دنیا امیدوارم از شر دنیا مصون بمانم.»	امام منصوب خداوند است.	مباحات به بندگی خداوند و زهد در دنیا (خداحوری و دنیادوری)
«جایز نیست لباسی را که باری تعالی بر شما پوشانده از بر بدرآوری و اگر متعلق به تو نیست حق نداری واگذار نمایی.»	همه خلفای قبلی غاصب مقام امامت هستند.	تحلیل از موقعیت مشروعیت خلافت (مشروعیت مداری خلافت)
«علی بن موسی همچنان در نفی خود مقاوم بود و پاسخ منفی می‌داد.»	امامت فقط مقام دنیایی - حکومتی نیست.	نفی آرام و مقاوم منفی (مقاومت منفی)
«من پیش از مرگ تو با سم کشته می‌شوم و مظلوم از دنیا می‌روم.»	همه خلفای قبلی قاتلان امامان بودند.	آینده‌نگری در پذیرش (آینده‌نگری)
«اگر بخواهم می‌توانم بگویم قاتل من کیست.»	امام در صورت نیاز بر غیب آگاه است.	تبیین در برابر قدرت‌نمایی (قدرت‌شکنی)
«مقصود شما را از این همه اصرار می‌دانم.»	عباسیان هرگز در صدد انتقال حکومت به امامان بر حق نیستند.	مقابله با طرح هدف غایی «تقابل‌گرایی هدفمند»
«مردم درباره من بگویند ولایتعهدی را به طمع خلافت قبول کرده است.»	امامت، هدایت و رهبری است نه قدرت‌طلبی.	افشای هدف غایی (افشاگری هوشمندانه)

ادامه جدول ۵. مقایسه دو ستون برداشت از متن و فضای فراگفتمانی برای کشف رویکردهای تدبیر در گفتن امام رضا(ع)

رویکردهای زیست - سیاست (تدبیر) امام رضا(ع)	فضای فراگفتمانی	برداشت از متن - امام رضا(ع)
شرع محوری در پذیرش موقعیت، اما با تعیین شرایط (شرع‌مداری موقعیت‌ها)	فضاسازی برای ولایتعهدی، بدون اختیار نشان دادن و غیرشرعی بودن خلافت مأمون	«خداوند مرا نهی نموده از اینکه با دست خویش خود را به هلاکت افکنم. ناچار ولایتعهدی را قبول می‌کنم به شرط آنکه نه کسی را به‌کاری بگمارم.....»
پذیرش موقعیت بر اساس دستور الهی (تدبیر مشروع)	مشروعیت حاکمیت در جامعه اسلامی از آن خداوند است.	«امام با بی‌میلی ولایتعهدی را قبول کرد.»



نمودار ۵. محورهای سلطه در رویکرد زیست - قدرت مأمون



نمودار ۶. محورهای تدبیر در رویکرد زیست - سیاست امام رضا(ع)

تقابل دو رویکرد زیست - قدرت و زیست - سیاست در نمودار شماره‌های (۵) و (۶) به‌خوبی نمایان است. سلطه در زیست - قدرت، یک خصلت تمامیت‌خواهی است که به‌دنبال تحقق اهداف خود به هر وسیله می‌باشد. این حرکت از مأمون در مورد تحمیل ولایتعهدی به امام رضا(ع) به‌خوبی دیده می‌شود. در مقابل این حرکت، سیاست امام رضا(ع) برای حفاظت از جان در جهت حفظ دین و جامعه اسلامی در فرایند تدبیر نیز به‌خوبی نمایان است. تقابل این دو رویکرد نهایتاً به شکل ظاهری به پیروزی سلطه بر تدبیر در بدترین برخورد یعنی به «شهادت رساندن امام» پدیدار می‌شود. اما در طولانی‌مدت این رویکرد تدبیر و زیست - سیاست است که پیروز نهایی میدان مبارزه میان سلطه و تدبیر شد.

امام رضا^(ع) با به‌کارگیری شیوهٔ تدبیر نه‌تنها از موقعیت نسبی در «امان بودن» از شر مأمون، به‌دلیل ولایتعهدی بهره‌گیری نمودند، بلکه تلاش کردند علی‌رغم شرایط سخت کنترل و نظارت دستگاه مأمون، به گسترش علم و دین اقدام کنند.

خلاصه حضرت رضا^(ع) با سمت ولایتعهدی مأمون گفتنی‌ها را با صراحت می‌فرمود و واقعیت‌ها را آشکار می‌ساخت. مدتی جریان امر بدین منوال گذشت. سرانجام مأمون متوجه شد که با اصرار و تهدید، ولایتعهدی را به حضرت رضا^(ع) قبولانده اما از این کار نفعی نبرده است، چه با این انتصاب، نتوانست دستگاه خلافت را در افکار عمومی تنزیه کند و زمینهٔ خوش‌بینی مردم را نسبت به مقام خلافت فراهم آورد و نتوانست از محبوبیت حضرت رضا^(ع) بکاهد و شیعیان اهل بیت^(ع) را از بدبینی و انتقاد نسبت به حکومت عباسی بازدارد، لذا به فکر افتاد علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) را مسموم کند و با قتل آن حضرت از گسترش مذهب تشیع و ازدیاد روزافزون محبان و دوستان اهل بیت^(ع) جلوگیری نماید. او پنهانی به این عمل خائنانه دست زد و به حیات پربرکت آن امام بزرگوار خاتمه داد (فلسفی، ۱۴۰۴ ق: ۲۲ - ۲۱).

نتیجه‌گیری

موضوع ولایتعهدی امام رضا^(ع) یکی از موارد مهم تاریخ اسلامی است (موحدی‌ساوجی، ۱۳۵۰) که در این مقاله با تحلیل گفتمانی مذاکره‌هایی که میان مأمون و امام رضا^(ع) در زمان واگذاری خلافت و سپس تأکید بر پذیرش ولایتعهدی یا شهادت با روش پدام و با تأکید بر نظریه‌های مربوط به رویکردهای زیست - قدرت یا سلطه و زیست - سیاست یا تدبیر مورد تحلیل قرار گرفته است.

نتایج تحلیل گفتمانی نشان‌دهندهٔ دو رویکرد متفاوت بر پایهٔ سلطه و تدبیر است که اولی در برخوردهای مأمون و دومی در مقابلهٔ امام رضا^(ع) به‌خوبی نمایان است.

برخوردهای سلطه‌محور مأمون با محورهای: ریاکاری، برتری‌طلبی، قدرت‌طلبی،

گفتمان ولایتعهدی امام رضا(ع) ... ❖ ۸۳

❖ قدرت‌خواهی انعطافی، زیرکی قدرت‌محور، اتهام زدن، پاسخ‌خواهی قدرت‌مدار، قدرت‌نمایی قهرآمیز و تحمیل هدف به هر وسیله از یک‌سو و رویکردهای تدبیر مرتبط با عکس‌العمل امام رضا(ع) در محورهای خدامحوری و دنیادوری، مشروعیت‌مداری خلافت، مقاومت منفی، آینده‌نگری، قدرت‌شکنی، تقابل‌گرایی هدفمند، افشاگری هوشمندانه، شرع‌مداری موقعیت‌ها و تدبیر مشروع بیانگر این دو رویکرد متفاوت می‌باشد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا*^(ع). بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ابن شهر آشوب، بن ابی نصر بن ابی حبیبی السوری المازندرانی، (۱۳۷۵ ق ۱۹۵۶ م). *مناقب آل ابطالب*. نجف: المطبعه الحیدریه.
- بشیر، حسن، (۱۳۹۱ - الف). «*وسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان*». از مجموعه: *تحلیل گفتمان رسانه‌های جهان* (کتاب دوم)، تهران: سیمای شرق.
- بشیر، حسن، (۱۳۹۱ - ب). «*رویکردهای اجتماعی در گفتمان روایی امام صادق*^(ع): مقدمه‌ای بر گفتمان دینی روایی». در کتاب: *ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق*^(ع)، تألیف: جمعی از نویسندگان، به کوشش: احمد پاکچی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- پاکچی، احمد، (۱۳۹۱). «*شرایط علمی و فرهنگی در عصر امام صادق*^(ع) و بستر شکل‌گیری مذهب جعفری». در کتاب: *ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق*^(ع)، تألیف: جمعی از نویسندگان، به کوشش: احمد پاکچی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).

گفتمان ولایتعهدی امام رضا^(ع) ... ❖ ۸۵

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

- دیلینی، تیم، (۱۳۸۸). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. مترجمان بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ دوم، تهران: نی.
- زورق، محمدحسن، (۱۳۹۰). *دو حرکت در تاریخ*. چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سپهر، عباسقلی خان، (۱۳۴۸). *ناسخ التواریخ*. تهران: انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه، (۱۳۶۳). *عیون اخبار الرضا^(ع)*. قم: جهان.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۶ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عرفان‌منش، جلیل، (۱۳۷۴). *جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو*. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- عطاردی‌الخبوشانی، عزیزالله، (۱۴۰۶ ق). *مسند الامام الرضا^(ع)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. مترجمان فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فلسفی، محمدتقی، (۱۴۰۴ ق). *فرصت ولایتعهدی امام در نشر معارف اسلامی*. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا^(ع).
- فوکو، میشل، (۱۳۹۰). *تولد زیست سیاست*. مترجم رضا نجف‌زاده، تهران: نی.
- فوکو، میشل، (۱۳۹۱). *سوژه و قدرت*. در کتاب میشل فوکو، *فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنوتیک* با مؤخره‌ای به قلم میشل فوکو، نوشته هیوبرت ال. دریفوس و پل رابینو، مترجم حسین بشیریه، چاپ هشتم، تهران: نی.
- کمپانی، فضل‌الله، (۱۳۶۵). *حضرت رضا^(ع)*. چاپ سوم، تهران: مفید.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. مترجم منوچهر صبوری، چاپ بیستم، تهران: نی.
- محقق، سیدعلی، (۱۳۵۷). *زندگانی پیشوای هشتم امام علی‌بن موسی الرضا^(ع)*. قم: نسل جوان.
- مرتضی‌عاملی، سیدجعفر، (۱۳۶۸). *زندگانی سیاسی امام رضا^(ع)*. ترجمه و تحقیق: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوز، علمیه قم، چاپ دوم، قم: کنگره جهانی حضرت امام رضا^(ع).
- موحدی‌ساوجی، علی، (۱۳۵۰). *ولایتعهدی حضرت رضا^(ع)*. قم: حکمت.
- ون‌دایک، تونای، (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*. مترجمان پیروز ایزدی و دیگران، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس، (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. مترجم هادی جلیلی، چاپ اول، تهران: نی.

منابع عربی

ابن المعتز، عبدالله بن محمد، (۱۹۷۶ م). *طبقات الشعراء لابن المعتز*. بیروت: دارالمعارف.
ابوصالح، حسن عبدالله، (۱۹۹۶). *فی رحات الامام علی الرضا، عالم آل محمد، عرض و تحلیل*. بیروت: دار الهدایه للطباعه و النشر.
امین، احمد، (۱۹۳۳). *ضحی الاسلام*. بیروت: دارالکتب العربی.
جرداق، جورج، (۱۹۵۸). *الامام علی صوت العدالة الانسانیة*. بیروت: دارالفکر العربی.
قلقشندی، احمدین علی، (بی تا). *نهایه الارب فی معرفه انساب العرب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
المدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۰ ق). *الامام الرضا (ع) قدوه و اسوه*. الطبعة الاولى، بی جا: مکتب العلامة المدرسی.
المسعودی، علی بن الحسین، (۱۴۰۴ ق). *مروج الذهب و معادن الجوهر*. بیروت: دارالمعرفه.

منابع انگلیسی

Gutas, D. (1998). *Greek Thought, Arabic Culture*. The Graeco-Arabic Translation Movement in Baghdad and Early 'Abbāsīd Society (2nd- 4th - 10th Centuries), Routledge.
Harris, G.H. (1911), "Bio-Politics". in *The New Age: A Weekly Review of Politics, Literature, and Art*, Vol. X, No.9, December 28, p.197.
Laclau, E. and Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy, Toward a radical Democratic Politics*. London: Verso.